بر روی زمین انحراد
پیکار خلق
۴۵
یکشنبه ۲۲ تیر ۵۹
گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

در آموزش و پرورش جه کسانی "پاکسازی" میشوند؟

موج عظیم "پاکسازی" ادارات و موسسات دولتی را فراگرفته است. موجی که در درجه اول برتصفیه عناصر انقلابی و مردمی سوار بوده و با تبلیغات بسیاری همراه است و در این میان نیز از تمایلات بحق توده ها مبنی بر اخراج عوامل مزدور و ساواکی سوءاستفاده های فراوانی بعمل می آید. کارنامه یکسال و نیمه رژیم جمهوری اسلامی حاکی ازاین امراست که این رژیم برای پیشبرد مقاصد و اهداف ضدخلقی خود به سرسپردگان رژیم شاه نیازمند بوده و بهمین جهت باتمام قوا این افراد رابرپستهای حساس و مهم گمارده است. اکنون پس از گفتار اخیرخمینی، حاکمان جدید ناگهان خواب نماشده و داد وفال به راه انداخته اند که ادارات شاهنشاهی و طاغوتی است. فراموش نکنیم که نیروهای انقلابی و علی الخصوص کمونیستهای میهن ما بارها و بارها براین امر پای فشرده و با ارائه اسناد و مدارک ابقاء مزدوران رژیم شاه را مدلل ساختند. اما همیشه باچوب تکفیر روبروشده و دست اندرکاران حکومتی باحمایت بیدریغ از این مزدوران، انقلابیون را به شایعه پراکنی و دروغگوئی متهم ساختند اینک چه شده است که همین آقایان به فکر

بقیه در صفحه ۲

اشغال سفارت ایران در پاریس و مسائل پشت پرده

بنی صدر برای عوامفریبی و جاکردن خود در قلوب مردم ایران، یك فرمول راهمیشه تکرار میکند و آن اینکه وی مخالف هرنوع زورگوئی است. بنی صدر صد درصد هوچی وفریبکار زورگوئی راصلاح نمیداند اگر برعلیه وی و دارودسته اش بکارگرفته شده باشد. اوبه خوبی نشان داده است که خودش هم به حرفش باور ندارد. وی زورگوئی را درسرکوب خلقهای کرد، ترکمن وعرب و.... درسرکوب نیروهای سیاسی ضد امپریالیست، انقلابی وکمونیست باروشهای منتسب بخودش جایز میشمارد. حتی دیدیم که درسرکوب دانشگاهها خیلی باصطلاح بااشتهاتراز طراحان اصلی سرکوب دانشگاهها یعنی حزب جمهوری اسلامی، رفتارنموده است. جبرطبقاتی و سرنوشت طبقه سرمایه داران او را مجبور میکند که برای دستیابی به منافع خود زورببوید، خواسته های کارگران، دهقانان، خلقهای زحمتکش کرد، عرب، ترکمن و.... رابازور سرکوب کند. بنی صدر که ظاهراً اززور

بقیه در صفحه ۴

توطئه ارتجاع علیه خانواده رضائی ها

چندی است که حمله به سازمان مجاهدین خلق بطور همه جانبه ای ازسوی عوامل فشار و سرکوب و برهبری مرتجعین بقدرت رسیده به پشتیبانی موضعگیری اخیر خمینی بر دامنه این فشار افزود، تا حدی که خانواده های مجاهدین شهید نیز از حمله و هجوم در امان نیستند. در طی هفته گذشته دو بار خانه رضائی های شهید از سوی مزدوران رژیم جمهوری اسلامی مورد تهاجم قرار گرفت. دست اندرکاران که خود از سابقه ننگینی برخوردارند، می کوشند بر جانبازیهای مجاهدین پاکباخته درمقابل رژیم شاه و سابقه مبارزاتی آنها

بقیه در صفحه ۲

جلادان مبارزان را به جوخه آتش نمیسپارند

حکومت ضدخلقی پس از گسیل ارتش به منطقه کردستان و سرکوب خلق کرد، خیال می کند که با اعدامهای دست جمعی قادر است فریادهای حق طلبانه خلق کردرا در گلو خفه سازد. بهمین جهت و برای ایجاد رعب و وحشت در این منطقه دست به اعدام

بقیه در صفحه ۲

مبارزه با "فساد" بشیوه حزب جمهوری اسلامی

در روزنامه جمهوری اسلامی به تاریخ سه شنبه ۵۹/۴/۱۷ در ستون اخبار ایران به تیتر پرطنطراقی بر میخوریم: "مبارزه با فساد" [1] و بعد هم در میان نامهای کسانی که به جرم مشروبخواری و فاحشه گری دستگیر شده اند، نام دوتن دیگر، فتانه شیرازی و طاهره جاهدی، بجرم فروش نشریه "کار" جزو مفسدین درج میگردد و اینکه آنها نیز زندانی گردیده اند. جالب است! کسانی دم از مبارزه با فساد میزنند که خود فاسدتر از همه بوده و کلاشیها و کلاهبرداریهایشان زبانزد خاص و عام است. حزب جمهوری اسلامی باید که نام مبارزین ضد امپریالیست و انقلابی را در کنار مفسدین ذکر نماید،

بقیه در صفحه ۲

بارگرانی بردوش زحمتکشان است و بس

زحمتکشان میهنمان با گرانی سرسام آوری دست و پنجه نرم می کنند. این گرانی زاید الوصف زندگی زحمتکشان راتهدید می کند. توده های ستمکش باردآمد ناچیزی که در ازای کار طاقت فرسای خود بدست می آورند، از خرید حداقل مایحتاج زندگی عاجزند. زحمتکشان حتی برای تأمین نان روزانه خود مجبورند مبلغ زیادی بپردازند. تازه برای همین نان هم بایستی ساعتها درصف بایستند. بسیاری از مایحتاج زندگی هم اصلاً یافت نمیشود و اگرهم گاهی پیدا شود به چندین برابر قیمت فروخته میشود که بازهم نصیب کسانی میشود که قدرت خرید آنرا دارند. در این میان حکومت میکوشد باوعده و وعید های توخالی موج نارضایتی مردم رافرونشانده و باطرح مسائلی چون "برای شکم انقلاب نکردیم" و....

بقیه در صفحه ۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

جلادان مبارزان را...

مبارزین ضد امپریالیست میزنند.
برهان یاجلائی، اسعد اشعری، مختار چکشی وعبدالرحیم جواهری ازجملهٔ این اعدام شدگان در سنندج میباشند.
همچنین اخیراً در پی شناسائی مبارزین، آنها را در گوشهٔ وکنار شهر به گلوله میبندند چنانکه سلاح الدین شمس برهان مسئول دفتر تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان کردستان را که دارای سابقهٔ مبارزاتی طولانی است، در مقابل خانه اش در مهاباد ترور کردند.
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی هراسناک از جنبش بحق خلق کرد، دست به ترورهای ناجوانمردانه ومخفیانه میزنند. تو گوئی که این ترورها واعدامها دره ای از مقاومت خلق کرد خواهد کاست. این خیال خامی است که رژیم در سرمیپروراند. خلق کرد را از قربانی دادن هراسی نیست و کردستان دژ تسخیرناپذیر خواسته های بحق خلقهای ایران است. خلقهای آگاه و مبارز ایران با تمام قوا از کردستان قهرمان دفاع خواهند کرد. یاد این شهدا را گرامی بداریم.
اضافه کنیم که این اعدامها فقط منحصر به انقلابیون کرد نبوده بلکه رژیم میکوشد در همهٔ مناطق به این کار دست بزند. همچنانکه شاهد هستیم هرهفته تعدادی را در راهوار به جرمهای واهی تیرباران میکنند. ازجمله دوتن از مبارزین بنامهای منوچهرجعفری ومهدی عامونی شوشتری مسئول تشکیلاتی دانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر بدست جلادان رژیم به جوخهٔ آتش سپرده شدند. جرایم همهٔ این شهدا یکسان است و آن هم دفاع از زحمتکشان و کوشش در راه رهائی آنان از یوغ استثمار و استعمار میباشد.
حکومت جمهوری اسلامی باید بداند که با این اعدامها و ترورها باد میکارد و سرانجام طوفان درو خواهد کرد. ننگ و نفرت بر جلادان فرزندان راستین خلقهای ایران!

منتشر شد
لنینیسم
کتاب دومی مدوسه حزبی

مبارزه با "فساد"...

زیرا که خود بوئی از مبارزهٔ ضد امپریالیستی نبرده است. نگاهی گوتاه به زندگی تنگین بهشتی ها، آیت ها و... چه در زمان رژیم شاه و چه در حال حاضر، نشان میدهد که این طرفداران سرمایه داری وابسته چگونه برای مستحکم ترنمودن دژ پوسیدهٔ سرمایه داری، دست به ساختمان حزبی معلوم الحال بنام حزب جمهوری اسلامی زده اند تا از یکطرف از معتقدات مذهبی توده های خلق سوء استفاده کنند و ازطرف دیگر بمنافع خود و سرمایه داری انحصاری جهانی جامهٔ عمل بپوشانند. درمنطق این نوع افراد، فروشندگان نشریات ضد امپریالیستی جزو فاحشه ها و مفسدین به حساب می آیند، اما درمنطق خلقهای پویای ایران این مبارزین از جمله فرزندان فداکار و از خودگذشتهٔ آنها محسوب میگردند. این است تفاوت دو منطق ارتجاعی و مردمی!

توطئه ارتجاع...

پرده پوشی کنند و بهمین جهت درصدد هرصدائی را که به دفاع از این گذشتهٔ پر افتخار برمیخیزد خفه سازند. برای تحقق این امر نیز دست به ایجاد رعب و وحشت میزنند. اجیرشدگان با بمب و نارنجک به خانهٔ بازماندگان رضائیهای شهید حمله ور میگردند، تاشاید آنها را به سکوت وادارند خانوادهٔ رضائی نه تنها از گذشتهٔ پرافتخار برخوردار است، بلکه اکنون نیز به عناوین مختلف در مقابل سیاستهای ارتجاعی حکومت ایستادگی می کند و این خود عامل مهمی است در حمله به آنها. رژیم باید بداند که با براه انداختن جو رعب و وحشت و تشدید خفقان و فشار بر بازماندگان شهدای مجاهد هرگز قادر نخواهد بود برمبارزات مجاهدین خلق خط بطلان کشیده و ازادامهٔ مبارزات خانواده های شهدای راه آزادی خلق جلو گیرد. پیوستن ارتجاع علیه خانوادهٔ مجاهدین محکوم است.

دو آموزش و پرورش...

"پاکسازی" افتاده و آیا واقعاً هدف این پاکسازی مزدوران رژیم شاه هستند؟
از همان اوان قیام خونین بهمن ماه آموزش و پرورش مورد توجهٔ حاکمان قرارگرفت رژیم کوشید با بوجود آوردن شرایط اختناق و پلیسی و تعمیق آن به سطوح مختلف آموزشی از رشد نیروهای انقلابی جلوگیرد. برای این منظور با بخشنامه ها و تهدیدنامه های گوناگون به تفتیش معلمان و دانش آموزان انقلابی پرداخت. از تشکیل شوراهای انقلابی دانش آموزان و معلمان جلوگیری بعمل آورد و در مقابل دست پروردگان خود را در رأس امور مدارس گماشت. آنجاهم که دیگر قدرت اعمال نفوذ نداشت به انحلال مدارس پرداخت. چنانکه شاهد بودیم که در چند ماه گذشته تعدادی از مدارس در تهران بدلایل واهی بسته شد. اخراج معلمان آگاه و متعهد نیز همچنان در صدر برنامه های رژیم بود. اکنون رژیم می کوشد با تکیه برسخنان اخیر خمینی این اخراجها را قانونیت بخشد و هرصدائی را که درطلب حق برمیخیزد، خفه سازد. رجائی وزیر آموزش و پرورش اینک چهارنعل به پیش می تازد. وی میگوید "قبل از شروع سال تحصیلی آینده آموزش و پرورش پاکسازی کامل میشود". اما واقعاً این پاکسازی شامل چه کسانی میشود؟ طبق اخبار واصله بیش از ۳۰۰۰ معلم از کار برکنار شدند. این معلمین کیستند؟ رجائی خود میگوید "در طی چند ماهی که کار کردیم بسیار برخورد داشتیم با معلمینی که صریحاً در کلاس علاوه برآنکه تبلیغ گروهی میکنند، تبلیغ اعتقادی میکنند". ما میپرسیم چه کسانی تبلیغ گروهی و اعتقادی میکنند؟ و آیا رجائی تبلیغات وسیع انجمنهای اسلامی مدارس را که سرنخشان بدست خود این آقایان است راهم منظور دارد؟ که البته با زهم جناب وزیر خود در مقام پاسخگوئی بر می آید. وی بصراحت میگوید "این پاکسازی شامل کسانی است که حرکت ضد اسلامی دارند". بنابراین مطلب کاملاً روشن است هدف پاک ساختن مدارس از عناصر

بقیه در صفحهٔ ۳

آرشیو اسناد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
www.peykar.org

درآموزش و پرورش ...

ساواکی و باصطلاح طاغوت زدائی نیست، چه این سرسپردگان رژیم شاه از بدو برقراری حکومت کنونی اسلام آورده و باحکومت اعلام همبستگی کردند و حتی بسیار مسلمان تر از دیگران شدند و در انجمنهای اسلامی هم نقش فعالی ایفا کردند. پس هدف از حرکت ضد اسلامی چیست؟ رجائی در سوء استفاده از معتقدات مذهبی مردم بسیار ماهر است و آنرا وسیله ای قرارداده است برای همکاری با بازماندگان اسلام آورده رژیم شاه و مقابله با مبارزین و معلمان آگاه. اخیراً با استفاده از دانش آموزانی که بستگانشان در کمیته ها و دیگر ارگانهای ارتجاعی فعالند، به ترویج جاسوسی پرداخته اند و بدین ترتیب معلمین مبارز را شناسائی میکنند و در پی یک نامه سراپا مغرضانه معلمینی را که سالها زندگی خود را صرف آگاه نمودن دانش آموزان کرده و حتی بخشی از عمر خود را در سیاهچالهای رژیم شاه بسر برده اند، اخراج میکنند. رجائی میگوید "مهم نیست که گزارش دهنده راجع بوضع معلمان چه کسی باشد. دایره ای داریم که به این گزارشات رسیدگی میکنند و مردم هم به ما کمک خواهند کرد". بله اگر معلمین ساواکی هنوز در مدارس به توطئه مشغولند و یا اغفال دانش آموزان بر علیه معلمین مبارز نامه نوشته میشود و جاسوسی در مدارس پرورانده میشود، این دیگر برعم رجائی "مهم نیست" چه برای اینان هدف وسیله را توجیه میکند. هدف اخراج معلمین مبارز است حتی با استفاده از ساواکیهای مدارس ما می پرسیم این "مردم" کیستند که در اینکار به رجائی و امثالهم "کمک میکنند"؟ روشن است. مفتشین و جاسوسانی که سرشان به کمیته ها و دیگر نهادهای ضد انقلابی وصل است و به بهانه های گذائی در مدارس سروگوش آب میدهند و به شکار معلمین آگاه و مبارز میپردازند. جالب است که حکم اخراج بسیاری از این معلمین را بنام مازاد بر احتیاج صادر میکنند و حتی مینویسند که "شما را به بازنشستگی مفتخر کرده ایم" ملت ایران بخوبی آگاه است که نه تنها در سطح مدارس با مازاد بر احتیاج بودن معلم روبرو نیستیم، بلکه برعکس در این زمینه کمبودهای بسیاری به چشم میخورد. در بسیاری از مدارس علی الخصوص در روستاها، یک معلم تمام کلاسهای ابتدائی را اداره می کند و به تناسب زمان به همه آنها درس می دهد و حتی شاهد هستیم که در بسیاری از مناطق بعلت نداشتن دبیر کلاسهای بالاتر از ابتدائی وجود ندارد و دانش آموزان برای ادامه تحصیل مجبور میشوند خانه و کاشانه خود را ترک گویند. حال چگونه است که حکومت اکنون از مازاد بر احتیاج سخن میراند؟ باضافه اینکه اخیراً اعلام کرده اند که در سال تحصیلی آینده مدارس دوپایه خواهد شد. آیا در اینصورت باز هم با کمبود بیشتر معلم مواجه نخواهیم شد؟ چرا، پس می بینیم که مسئله مازاد بر احتیاج بودن معلمین و حکم اخراج معلمین براین اساس سرپوشی است برای توجیه اعمال ضد انقلابی حکومتگران در رابطه با تصفیه معلمین مبارز. شاید دست اندرکاران رژیم برای حفظ ظاهر هم که شده تنی چند از آن افرادی را که چهره ساواکی بودنشان برای همه افشاء شده است، از مدارس اخراج کنند، اما به یقین میتوان گفت که پاکسازی ادارات و از جمله آموزش و پرورش توطئه ای است علیه انقلابیون، چه از ابقاء بسیاری از عمال رژیم شاه در ادارات و حتی در رأس بسیاری از کارها آگاهیم و در مقابل می بینیم که هرآنکس را که از موضع انقلابی در برابر حکومت ضد خلقی سرتسلیم فرود نمی آورد، مشمول پاکسازی قرار میدهند.

اشغال سفارت ...

نیروهای ضد امپریالیست و کمونیست، این مبارزه را به انحراف کشانند تا خود هرچه بیشتر بر مرکب سرمایه داری انحصاری جهانی رکاب زنند. ازسوی دیگر آنها برای مغشوش کردن افکار توده ها و بدبین کردن اذهان آنها نسبت به کمونیسم، باشهم ساختن یکدیگر در سستی در مقابل کمونیسم، میکوشند خرابکاریهای خود را بحساب کمونیستها بگذارند. در حالیکه همه خوب میدانند که همه جناحهای سرمایه داری دشمن سرسخت کمونیستها بوده و هیچیک در مقابل کمونیستها نه تنها از خود سستی نشان نمی دهند، بلکه هیچگونه اختلافی در ماهیت با کمونیسم با یکدیگر ندارند و این اتهامات فقط برای اینست که از اعتبار کمونیسم بکاهند بهرحال. اشغال سفارت ایران در پاریس بوسیله دانشجویان مسلمان یکی از اهرمهای تصفیه حسابهای حزب جمهوری اسلامی با رقبای سیاسی خود از جمله با قطب زاده است. همچنین حزب جمهوری اسلامی در صدد است قطب زاده را از قرارگرفتن در جناح بنی صدر برحذر دارد و بهمین خاطر دست به ارعاب وی میزند.

درهرحال دعوای این دو جناح هیچگونه مضمون خدمت به خلق نداشته و فقط بفقط برای کسب بیشتر قدرت بدست آنها است.

بارگرانی ...

اذهان آنها را متوجه مسائلی انحرافی نماید. آمار رسمی دولتی ضمن اینکه مشت حاکمان را باز کرده و آنها را رسواتر از همیشه میسازد، گویای این امر است که زحمتکشان میهن ما چگونه بایستی بار گرانی را تحمل کنند.

درصد افزایش قیمت در اسفند ۵۸ نسبت به اسفند ۵۷، ۲۵/۶ بوده است که در این بین اجناسی مانند میوه ۳۲/۶ درصد، سبزی ۵۷ درصد، خشکبار ۶۶ درصد، تخم مرغ ۳۷/۶ درصد، لبنیات ۲۲/۴ درصد، برنج ۳۰/۶ درصد، آرد ۲۱/۴ درصد گران تر شده است و مهمتر از همه وعده های بنی صدر در رابطه با پائین آوردن نرخ گوشت بود که این اواخر قیمت گوشت یخ زده از ۱۳۰ ریال به ۲۵۰ ریال، مخلوط تا ۳۲۰ ریال و گوشت تازه تا ۴۰۰ ریال افزایش یافته و تثبیت شد. در مقابل درصد افزایش قیمتها، افزایش حداقل دستمزد از ۵۶۷ به ۶۳۵ ریال و قیمتشان میدهد که فشار گرانی بردوش زحمتکشان است و بس.

www.peykar.org

اشغال سفارت...

گوئیهای جناح حزب جمهوری اسلامی بتنگ آمده است برای مقابله با آن یارانی را بکمک می طلبد. ازجمله کسانی که به جرگهٔ بنی‌صدر پیوسته است قطب زاده میباشد.

قطب زاده که روزی زورگوئی و منش دیکتاتوری وی علیه زحمتکشان زبانزد خاص و عام بود، اینک که خود را در مقابل حملات رقبای سیاسی یعنی حزب جمهوری اسلامی میبیند، از زورگوئیهای این حزب فغان برآورده است و در مقابله با آنها از کمک بنی‌صدر و روزنامه انقلاب اسلامی برخوردار میگردد.

همهٔ روزنامه ها اخیراً از اشغال سفارت ایران در پاریس سخن گفته اند. قضیه ظاهراً بدین شکل است که انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان در پاریس برای "طاغوت زدائی" و "دفاع" از حقوق مردم ایران و در پی پیام خمینی، دست به اشغال این سفارتخانه زده است و گویا این دانشجویان خواهان از بین رفتن روابط کاغذبازی در ادارات، پاکسازی ادارات از عوامل رژیم شاه، رسیدگی به وضع زحمتکشان کشور بوده و به این جهت دست به اشغال سفارت زده اند و میخواهند با این حرکت اعتراضی در خارج از مرزها افکار عمومی جهان را به خواسته های مردم ایران که گویا آنها نمایندگانشان هستند، جلب نمایند. اما همان طوریکه گفتیم این ظاهر قضیه است. پشت پردهٔ سیاست بازان حکومتی جریانات بمنظور دیگری پیش میرود.

آیت الله منتظری که طبق برنامهٔ حزب جمهوری اسلامی میبایستی پس از مرگ خمینی جانشین وی شود، در خطبهٔ نماز جمعهٔ قم بتاریخ ۱۳ تیرماه حملات شدیدی را بسفارتخانه های ایران در جهان مینماید. طبق برنامه در همین محدودهٔ زمانی دانشجویان پیرو خط امام در پاریس دست به اشغال سفارت میزنند، عده ای سفارت ایران در باکو را تهدید به انفجار مینمایند، حسین نوری نمایندهٔ امام در اروپا از اشغال سفارت پشتیبانی میکند. انجمن اسلامی وزارت امور خارجه موافقت خود را با اینکار اعلام میدارد و روزنامهٔ حزب جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه های اشغال کنندگان سفارت بر این عمل صحه میگذارد. تمامی این جریانات یک چیز را بخوبی نشان میدهد و آنهم این است که طرحهائی برای تضعیف موقعیت سیاسی قطب زاده و به عبارت دیگر جناح بنی صدر ریخته شده است.

حزب جمهوری اسلامی از طریق اطلاعیهٔ اشغال کنندگان سفارت به جناح رقیب خود اولتیماتوم میدهد. در اطلاعیه آمده است که "... شما باید انید اگر به فرمان امام عمل نکنید بار دیگر مصمانه تر خواهیم آمد تا از مصدر قدرت پائینتان کشیم" (جمهوری اسلامی - ۱۷ تیر ۵۹) و بدین ترتیب با کلام فرمان امام به جنگ رقیب میرود. دیدیم که پس از سخنرانیهای اخیر خمینی موقعیت حزب جمهوری اسلامی تقویت شد. حزب به بهترین شرایط را برای تصفیه حسابهای سیاسی و قدرت یابی بیشتر می بیند. بنابراین آگاهانه از امکانات بوجود آمده بهترین استفاده را میبرد. فراموش نکنیم که حزب جمهوری اسلامی از همهٔ امکانات برای پیش برد یک سیاست دو لبه بهره میگیرد. این حزب میخواهد از یکسو نیروهای انقلابی ضد امپریالیست و کمونیست را نابود سازد و حتی آنها را به جنگ رودررو فراخوانده است، و از سوی دیگر قصد تضعیف و در صورت امکان از بین بردن رقبای سیاسی خود را در جبههٔ سرمایه داری دارد.

پس از اشغال سفارت ایران در پاریس، جناح بنی صدر که قطب زاده باتمام اختلافاتش فعلاً در آن قرار دارد، به تکاپو می افتد. روزنامهٔ انقلاب اسلامی نظریات مخالف اشغال را به چاپ میرساند و هنگامیکه روزنامهٔ جمهوری اسلامی از قول دانشجویان اشغال کنندهٔ سفارت مینویسد که در بعضی از اطاقهای سفارت عکسهائی از شاه مخلوع آویزان بوده است، روزنامهٔ انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۷ تیر ۵۹ نامهٔ یکی از دانشجویان مسلمان مقیم پاریس را بچاپ میرساند که خلاف ادعای دانشجویان اشغال کننده را در مورد بودن عکس شاه ثابت نماید. قطب زاده که خطر را حتی در خارج از مرزها علیه موقعیت خود احساس کرده است شروع به دفاع از منصب و مقام خود مینماید و عمل اشغال سفارتخانه را توطئه میخواند: "برما مسلم شده است که توطئه ای عظیم برای اشغال سفارتخانه‌های ایران در خارج وجود دارد..." (اطلاعات شنبه ۱۴ تیر ۵۹) در مقابل اما فوراً انجمن اسلامی وزارت امور خارجه در روزنامه جمهوری اسلامی اطلاعیه ای منتشر میکند که در بخشی از آن چنین آمده است "ما معتقدیم که ناسزاگوئی و اتهام بستن به دانشجویان مسلمان از سوی مسئولین وزارت امور خارجه و تحریف خواستهای بحق آنها بعنوان دارندگان نقشه های شیطانی از سوی سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاریس..... گره گشای مشکلات عظیم دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود..." در این نزاع خانوادگی طرفین فراموش نمی‌کنند که همدیگر را به سستی در مقابل صیهونیسم، امپریالیسم و کمونیسم متهم سازند. قطب زاده میگوید "... خصوصاً آنکه این اعمال (منظور اشغال سفارت ایران در پاریس - پیکار خلق) متعاقب حملات مسلحانه ای است که دولت جنایتکار عراق وابسته گان به کمونیسم بین الملل، از مدتی قبل علیه نمایندگیهای ایران در نقاط مختلف جهان شروع کرده اند". اما انجمن اسلامی وزارت امور خارجه هم از غافله و پاسخگوئی عقب نمیماند و در اطلاعیهٔ خود مینویسد "تا کی ملت مسلمان و قهرمان ایران میتواند شاهد سکوت سفارتخانه هایمان (باستثنای تعدادی از آنها) با آن هزینه های سرسام آور از بیت المال ملت مستضعف در مقابل توطئه چینیها و حملات تبلیغاتی صیهونیسم، امپریالیسم و کمونیسم بین الملل باشد؟" برای سیاست بازانی چون قطب زاده و سران حزب جمهوری اسلامی خیلی آسان است که دروغ بگویند. آنها امایک چیز را میدانند و آن اینکه توده های خلق امپریالیسم و صیهونیسم را دشمنان خود می‌دانند و برعلیه آنها مبارزه می کنند. اما چون توده های ناآگاه اساس و ریشه های امپریالیسم را بدرستی نمیشناسند و بطور حسی برعلیه امپریالیسم مبارزه می کنند، جناحهای مختلف سرمایه از بنی صدر گرفته تا حزب جمهوری اسلامی و غیره میکوشند با جلوگیری از آگاه شدن خلق بوسیلهٔ

بقیه در صفحهٔ ۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org